

تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)

کیومرث ایراندوست^{۱*}، آرمان بهمنی اورامانی^۲

^۱ استادیار گروه شهرسازی دانشگاه کردستان

^۲ کارشناس ارشد شهرسازی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۱۷

چکیده

در دهه‌های اخیر و با تحولات عمیق کالبدی و اجتماعی شهرهای کشور، بازار به عنوان کانون اقتصادی و اجتماعی شهر سنتی ایرانی دچار دگرگونی و تغییرات قابل توجهی شده است. در بیش‌تر موارد، بازار از کانون پر جنب و جوش با مرکزیت قوی، به عنصری نسبتاً حاشیه‌ای بویژه در ارتباط با عملکرد شهری بدل شده و بخش عمده آن با افت ارزش و پویایی اقتصادی و اجتماعی و کالبدی روبه‌رو بوده است. این مسأله باعث شده که بخش چشمگیری از بازار، بویژه عناصر جانبی و جدا از راسته‌های اصلی آن دچار رکود و تخریب شوند. در نوشته حاضر با تکیه بر بررسی مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی میدانی و تطبیق نقشه‌ها، سعی شده است تحولات صورت گرفته در ساختار و کالبد بازار شهر کرمانشاه و نیز عوامل مؤثر بر این تحولات و روند آن مورد بررسی قرار گیرد. شهر تاریخی کرمانشاه با توجه به موقعیت خود همواره دارای اهمیت تجاری بوده و بازار با رونقی داشته است. بنا بر اسناد موجود، بازار کرمانشاه در اواخر دوره قاجار در اوج رونق و شکوه بود. پس از آن با توجه به رشد ستانان شهری و روند فزاینده نوسازی، بازار نیز چون دیگر عناصر و اجزای شهری، تحولات عمیقی را تجربه کرد و تا حد زیادی از لحاظ کارکردی و کالبدی رو به تحلیل رفت. به طور کلی، علل اصلی این تحولات را می‌توان در دگرگونی شیوه‌های تولید و مصرف، نوسازی و نوگرایی معاصر، ورود خودرو و خیابان‌کشی‌های جدید، برنامه‌ریزی شهری جدید و تغییر در نقش و عملکرد شهر کرمانشاه جستجو کرد.

واژگان کلیدی: شهر ایرانی، بازار، ساختار شهر، تحولات کالبدی، کرمانشاه.

مقدمه

بازار در شهرهای ایرانی - اسلامی، به مثابه یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری و عناصر عملکردی قلمداد می‌شود و همواره به عنوان ستون فقرات شهر عمل کرده است. در شهرهای ایرانی پیش از سرمایه‌داری عموماً سایر عناصر شهری در ارتباطی تنگاتنگ و منسجم با آن سازمان یافته‌اند، که نقش بسیار تعیین‌کننده کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی داشته است. در دوره معاصر، رشد سریع شهرها، شیوه‌های جدید خدمات‌رسانی شهری، استفاده از خودرو و اهمیت یافتن دسترسی سریع و آسان موتوری، نظام جدید تفکیک زمین و شکل‌گیری خیابان‌های مستقیم در بافت قدیمی شهر، تغییر شیوه تولید و مصرف شهروندان و شکل‌گیری نمادهای جدید کالبدی و تجاری شهری در کنار خیابان‌های جدید باعث شد ساختار بیش‌تر بازارها دچار تحوّل و در موارد زیادی دچار رکود شود و این مرکز پویای شهری غالباً به فضای قدیمی و تاریخی و راکد بدل گردد. البته در مواردی و غالباً در شهرهای بزرگ، بازار توانسته است با ایجاد تحولاتی کالبدی در ساختار خود، تا حدّی نقش خود را حفظ و احیا نماید و در شرایط نوین اقتصادی شهر به ایفای نقش بپردازد. بازار کرمانشاه به عنوان یکی از بازارهای بزرگ، پراهمیت و تاریخی، و با توجه تحولات چند دهه اخیر در سیما و کالبد و عناصر آن و نیز جایگاه آن در ساختار شهر کرمانشاه، نمونه‌ای کامل از بازار ایرانی است که در چند دهه گذشته دچار رکود و افت کیفیت شده است. از این رو بررسی آن می‌تواند در بردارنده نکات و تجارب ارزنده‌ای باشد.

۱. سابقه پژوهش

بازار به مثابه عنصر و جزء اصلی شهرهای ایرانی و اسلامی، از یک سو یکی از شاخص‌های اعتبار شهر در دوران تاریخی بوده و از سوی دیگر یکی از مشخصه‌های شهر شرق اسلامی شمرده شده است. از این رو، در نظریه‌پردازی درباره شهرهای اسلامی این عنصر مورد توجه و تأکید خاص بوده است. بر اساس جمع‌بندی مدل‌های جغرافی‌دانان در مورد کارکردهای اصلی و ویژگی‌های اساسی شهر سنتی شرق اسلامی، بازار و سلسله مراتبی از بازار (همراه با مسجد آدینه) به مثابه قلب و هسته اقتصادی شهر و وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار از مشخصه‌های بارز و جدایی‌ناپذیر شهرهای اسلامی از جمله ایرانی بوده است (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۰).

برای نمونه، اهمیت بازار به مثابه عنصر کالبدی، اقتصادی و حتّی اجتماعی اصلی در شهر سنتی ایرانی به حدّی است که شهرشناسانی چون اویگن ویرت (۱) از بازار به عنوان مرکز اصلی اقتصادی شهر شرقی و بخش ویژه فعالیت‌های کسب و کار سنتی که اغلب در مرکز شهر قرار دارد یاد کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۶). ارزش و اعتبار بازار در شهرهای اسلامی در دیدگاه ویرت به اندازه‌ای است که وی بازار را تنها وجه مشخصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرق اسلامی در برابر شهرهای دیگر حوزه‌های فرهنگی جهان می‌داند (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۰). اهلرز نیز از میان معیارهای مطرح شده برای شناخت شهر اسلامی، تنها مورد بازار را استثنا می‌داند که از

نظر شکل، تکوین و کارکرد یکتا است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۳). در شهر جدید و تحولات پس از ورود سرمایه‌داری به این شهرها نیز، بازار سنتی و جدید در حقیقت بخشی از دوگانگی همیشگی مطرحی است که برخی شهرشناسان برای شهرهای اسلامی شرقی و میان‌مدینه و شهر جدید برشمرده‌اند (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۱).

در پژوهش‌های شهری معاصر، بازار از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است؛ حوزه شهرسازی و معماری، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی و پژوهی‌ها از جمله این موارد است که در آن‌ها اهمیت و ارزش بازار در شهرهای ایران دوران‌های گوناگون تاریخی و تا شهرنشینی کنونی تأکید شده است (پیرنیا، ۱۳۷۲؛ سلطانزاده، ۱۳۸۰؛ پوراحمد، ۱۳۷۶). از جنبه کارکردی نیز همواره بازار به عنوان یکی از عناصر عمده مورد توجه شهرشناسان غربی بوده است. از این جنبه، بر کارکرد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی شهر تأکید شده است (Bonine, 1990; Werner, 2000).

۲. روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی - تاریخی و با استفاده از شیوه‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. برای این منظور، عمده‌ترین اسناد و اطلاعات مکتوب از جمله پژوهش‌های پیشین و مقاله‌های چاپ شده در مجله‌ها و کتب تاریخی، سفرنامه‌ها و نقشه‌ها بررسی شده و در بخش میدانی ضمن گردآوری اطلاعات در سطح محل از شیوه‌های کیفی پژوهش مانند مصاحبه با مردم و گروه‌های دارای اطلاعات بهره گرفته شده است.

۳. مرور یافته‌ها

۳-۱. بازار

بازار در فارسی میانه، وازار و با ترکیب‌هایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان) و وازارید استفاده شده است، و منظور از بازار محله مرکزی و اصلی معاملات و پیشه‌وری شهر در دوره اسلامی و پیش از نفوذ گرایش‌های غربی است که در هسته مرکزی شهر و درون مجموعه‌ای از ساختمان‌های ثابت و همگن، با شکل معماری ویژه‌ای جای دارد (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۲: ۳۰۷ - ۳۰۶).

بازار عموماً متشکل از دو راسته دکان در مقابل یکدیگر است که غالباً سقف آن‌ها را به هم پیوند داده و دارای بافت ویژه‌ای است. بناهایی از قبیل کاروان‌سرا، تیمچه، دربند، چهار سوق، مسجد، مدرسه، آب‌انبار و مانند آن‌ها از متعلقات آن به شمار می‌آید (خان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۵).

سابقه بازار به مفهوم کنونی آن، به دوره ساسانی باز می‌گردد که به عنوان ستون فقرات شهر از دل شار میانی (شارستان) تا شار بیرونی (ریض) گسترش یافت و در مسیر خود با شکل‌دهی به محله‌های شهری به صورت قلب شهر عمل می‌کرد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۴). در دوره اسلامی اندک اندک، نمادهای کالبدی دین به عنوان عناصر جدایی‌ناپذیری از بازار ظاهر شدند و عناصری چون مسجد،

تکیه‌ها، مدارس مذهبی، مساجد، حسینیه‌ها و غیره از دیگر عناصر پیوند خورده با بازار هستند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۰؛ بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۷۲). هر یک از این عناصر دارای عملکرد خاصی بوده‌اند. جدول شماره ۱ طبقه‌بندی عملکردی این عناصر را نشان می‌دهد. البته، در بسیاری از عناصر، کارکردی چندگانه داشته‌اند؛ برای نمونه، سراها اگر چه نقش مسلط انباری داشته‌اند، اما نقش تجاری و تولیدی آن‌ها هم قابل توجه بوده است. همچنین، تیمچه و میدان و گذر دارای عملکردی چند نقشی بوده‌اند.

از نظر ساختار و شکل، بازارها را می‌توان به گونه‌های تک محوری (خطی یا طولی)، چند محوری، صلیبی (مقاطع) و منظومه‌ای تقسیم بندی کرد (بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۷۲).

در دوره قاجار با ورود ایران به فرآیند ادغام در سرمایه‌داری جهانی و ورود کالاهای خارجی به کشور و ایجاد تعدادی کارخانه در بیرون از بازار، نقش بازار به عنوان محور اصلی اقتصاد شهر به تدریج تضعیف شد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷). اما تحوّل کالبدی اصلی و نزول جایگاه بازار در شهر در دوره پهلوی آغاز شد که با گسترش اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر ارتباطات جدید و تحوّل در ساختار سنتی شهرها و خیابان‌کشی‌های جدید، بازار عمدتاً دچار گسیختگی کالبدی و کارکردی شد. پس از انقلاب اسلامی نیز با گسترش بیش‌تر حومه‌نشینی و توسعه بازار به سبک جدید و نیز اجرای طرح‌های نوین بهسازی و نوسازی در شهرها، بازار سنتی هرچه بیش‌تر با نزول نقش و جایگاه روبه‌رو شد. در چند دهه گذشته، بازارهای سنتی علاوه بر جنبه‌های کالبدی و کارکردی، از جنبه‌های اجتماعی نیز دچار دگرگونی شدند؛ به نحوی که ساختار جمعیتی آن نیز تغییر کرده است و با تراکم بالا و سالخوردگی جمعیت و مهاجرت جمعیت متمول به محله‌های جدید مواجه هستیم (کاستللو، ۱۳۶۸: ۱۶۸). بازار با توجه به سابقه و اهمیت آن، دارای اجزا و عناصر گوناگونی بوده است که در مجموع یک کل واحد را تشکیل داده است. میدان به مثابه اصلی‌ترین و عنصر مرکزی و راسته به صورت خطی و به عنوان مهم‌ترین بخش و عنصر اقتصادی بازار ایفای نقش کرده‌اند. راسته اصلی عموماً در امتداد معبر اصلی شهر و راسته‌های فرعی عمود بر آن به صنف خاصی اختصاص داشته‌اند. قیصریه، راسته

مدرسه، حسینیه و تکیه جای خود را در بازار باز کردند. در حقیقت، در دوران اسلامی عملکردهای جدیدی در بازار شکل گرفت و به تدریج شامل حیات جمعی کل شهر گشت و ساختار و کالبد آن به اندامی مرکب با در نظر گرفتن کلیه عملکردهای زندگی عمومی شهر بدل شد (خان محمدی، ۱۳۸۶: ۶۲).

با اهمیت یافتن بیش‌تر عنصر مذهب در اجتماع و حکومت در دوره صفویه، و نیز گسترش ارتباطات تجاری در این دوره، بازار به عنوان تعیین‌کننده‌ترین و شاخص‌ترین عنصر شهری در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور نمایان شد. نقش مذهبی بازار و پیوند آن با معنویت و باورهای مذهبی در ظهور و محوریت عناصری چون مسجد روشن است و نقش اجتماعی و دامنه نفوذ آن در حیات اجتماعی شهر با جلب فعالیت‌های اجتماعی و شکل‌گیری تشکلهای صنفی تقویت شده است. کارکرد سیاسی و نقش بازار در حرکت‌های سیاسی جامعه ایرانی جایگاه و سابقه‌ای تاریخی دارد (رجبی، ۱۳۸۶: ۷۲).

بازار با توجه به سابقه و اهمیت آن، دارای اجزا و عناصر گوناگونی بوده است که در مجموع یک کل واحد را تشکیل داده است. میدان به مثابه اصلی‌ترین و عنصر مرکزی و راسته به صورت خطی و به عنوان مهم‌ترین بخش و عنصر اقتصادی بازار ایفای نقش کرده‌اند. راسته اصلی عموماً در امتداد معبر اصلی شهر و راسته‌های فرعی عمود بر آن به صنف خاصی اختصاص داشته‌اند. قیصریه، راسته کوچکی است که محل خرید و فروش کالاهای خاص، مانند منسوجات ابریشمی گران قیمت بود. کاروان‌سرا و سراها، فضاهایی دارای یک حیاط مرکزی بودند که دور تا دور آن ساختمان‌هایی قرار داشت که طبقه زیرین آن‌ها محل عرضه کالا و طبقه بالا محل امور دفتری تجارت‌خانه بود. تیمچه، به کاروان‌سراها یا سراهای کوچک و سرپوشیده می‌گویند که محل عرضه کالاهایی مانند فرش، قماش، چینی و بلور بوده است. محل تقاطع گذرهای اصلی بازار با یکدیگر را چهارسوق یا چهارسو می‌نامند که دارای تاق و گنبد بزرگ‌تر است و معمولاً کانون و مرکز اصلی بازار بوده و بالاترین ارزش اقتصادی را داشته است. ساده‌ترین و کوچک‌ترین، اما مهم‌ترین عنصر تجاری بازار حجره یا دکان است که در دو سوی راسته بازار به وجود می‌آیند.

جدول شماره ۱: تقسیم‌بندی عناصر بازار بر اساس عملکرد آن‌ها

کارکردهای بازار	اقتصادی			مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و خدماتی		ارتباطی
	نقش تجاری	نقش تولیدی و تجاری	نقش انباری	نقش مذهبی	نقش اجتماعی و خدماتی	ارتباطی
عناصر کالبدی بازار	- دکان و حجره - تیمچه - تیم - خان - راسته - چهارسوق	- کارگاه - قیصریه - دالان	- خانبار - کاروان‌سرا یا سرا - باراندازها - بارگیر	- مسجد یا مسجد جامع - حسینیه - تکیه - مدارس و حوزهای علمیه - امامزاده	- حمام - زوارخانه - سقاخانه - چایخانه و قهوه‌خانه - غذاخوری - سلمانی	- میدان - گذر اصلی و فرعی - در و دروازه

مأخذ: رجبی، ۱۳۸۶

کوچکی است که محل خرید و فروش کالاهای خاص، مانند منسوجات ابریشمی گران قیمت بود. کاروان سرا و سراها، فضاهایی دارای یک حیاط مرکزی بودند که دور تا دور آن ساختمان‌هایی قرار داشت که طبقه زیرین آن‌ها محل عرضه کالا و طبقه بالا محل امور دفتری تجارت‌خانه بود. تیمچه، به کاروان سراها یا سراهای کوچک و سرپوشیده می‌گویند که محل عرضه کالاهایی مانند فرش، قماش، چینی و بلور بوده است. محل تقاطع گذرهای اصلی بازار با یکدیگر را چهارسوق یا چهارسو می‌نامند که دارای تاق و گنبد بزرگ‌تر است و معمولاً کانون و مرکز اصلی بازار بوده و بالاترین ارزش اقتصادی را داشته است. ساده‌ترین و کوچک‌ترین، اما مهم‌ترین عنصر تجاری بازار حجره یا دکان است که در دو سوی راسته بازار به وجود می‌آیند. تکیه‌ها، مدارس مذهبی، مساجد، حسینیه‌ها و غیره از دیگر عناصر پیوند خورده با بازار هستند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۰؛ بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۲). هر یک از این عناصر دارای عملکرد خاصی بوده‌اند. جدول شماره ۱ طبقه‌بندی عملکردی این عناصر را نشان می‌دهد. البته، در بسیاری از عناصر، کارکردی چندگانه داشته‌اند؛ برای نمونه، سراها اگر چه نقش مسلط انباری داشته‌اند، اما نقش تجاری و تولیدی آن‌ها هم قابل توجه بوده است. همچنین، تیمچه و میدان و گذر دارای عملکردی چند نقشی بوده‌اند. از نظر ساختار و شکل، بازارها را می‌توان به گونه‌های تک محوری (خطی یا طولی)، چند محوری، صلیبی (مقاطع) و منظومه‌ای تقسیم بندی کرد (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۲).

در دوره قاجار با ورود ایران به فرآیند ادغام در سرمایه‌داری جهانی و ورود کالاهای خارجی به کشور و ایجاد تعدادی کارخانه در بیرون از بازار، نقش بازار به عنوان محور اصلی اقتصاد شهر به تدریج تضعیف شد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۷). اما تحول کالبدی اصلی و نزول جایگاه بازار در شهر در دوره پهلوی آغاز شد که با گسترش اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر ارتباطات جدید و تحول در ساختار سنتی شهرها و خیابان‌کشی‌های جدید، بازار عمده‌تأ دچار گسیختگی کالبدی و کارکردی شد. پس از انقلاب اسلامی نیز با گسترش بیش‌تر حومه‌نشینی و توسعه بازار به سبک جدید و نیز اجرای طرح‌های نوین بهسازی و نوسازی در شهرها، بازار سنتی هرچه بیش‌تر با نزول نقش و جایگاه روبه‌رو شد. در چند دهه گذشته، بازارهای سنتی علاوه بر جنبه‌های کالبدی و کارکردی، از جنبه‌های اجتماعی نیز دچار دگرگونی شدند؛ به نحوی که ساختار جمعیتی آن نیز تغییر کرده است و با تراکم بالا و سالخوردگی جمعیت و مهاجرت جمعیت متمول به محله‌های جدید مواجه هستیم (کاستللو، ۱۳۶۸: ۱۶۸).

۲-۳. بازار کرمانشاه

کرمانشاه از جمله شهرهای کهن ایران در حوزه زاگرس است که با توجه به موقعیت راهبردی و منحصر به فرد خود، همواره در تاریخ ایران دارای اهمیت خاصی بوده است. شرایط مطلوب محیطی، موقعیت مناسب آن بر سر راه ارتباطی ایران با بین‌النهرین و قرار گرفتن آن در مرکز منطقه‌ای حاصل‌خیز، موقعیت ممتازی را برای

این شهر ایجاد کرده است. در چنین شرایطی است که با وجود تخریب و ویرانی مکرر شهر بر اثر وقایع طبیعی و انسانی در طول تاریخ، هر بار شهر از گوشه دیگر دشت کرمانشاه جوانه زده و شکوفا شده است (ایراندوست، ۱۳۷۳: ۹۸).

بازار کرمانشاه به شکل محسوس متاثر از موقعیت ارتباطی شهر در پیوند با سرزمین تاریخی مجاور شکل گرفته است. این بازار، بخشی از راه تجاری و زیارتی ایران به بین‌النهرین بود که کاروان‌ها در رفت و برگشت، مسیر آن را طی می‌کردند. چنین به نظر می‌رسد که جایگاه ارتباطی و تجاری کرمانشاه پیشینه‌ای دیرینه دارد. در قرن چهارم، ابن حوقل اشاره کرده که کرمانشاه شهری است خرم و دارای آب‌های جاری و درختان میوه و... همچنین کالاهای تجاری و عایدات فراوان دارد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۳).

سابقه بازار کنونی کرمانشاه به دوره افشاریه بازمی‌گردد؛ زمانی که شهر کرمانشاه از کناره رودخانه قره‌سو به دامنه تپه‌ای در محله فیض‌آباد کنونی نقل مکان کرد و نخستین هسته بازار کنونی شهر در این نقطه شکل گرفت. در دوره زندیه با افزایش جمعیت دو روستای فیض‌آباد و برزه دماغ و پیوستن آن‌ها به یکدیگر، بازاری تجاری در داخل بافت آن‌ها شکل گرفت که از محله فیض‌آباد آغاز می‌شد و تا سربازخانه شهر ادامه می‌یافت و از آن به عنوان «تاریکه بازار» یاد می‌شد. اما ساخت بازار بزرگ کرمانشاه از اوایل دوره قاجاریه در سال ۱۲۲۱ (ه.ق) آغاز شد که در کنار رودخانه آبشوران از دروازه پل سید جمعه شروع و به دروازه ققاسرخ ختم می‌شد. در مراحل بعد با ایجاد چندین سرا و احداث چهارسوق و مرکزیت بخشیدن به آن، و همچنین قرارگیری گمرک غرب در کرمانشاه، بازار آن نیز رونق بیش‌تری یافت و رشد آن در جهت طولی رو به تکامل نهاد.

یکی از قدیمی‌ترین اشاره‌های مکتوب به بازار کرمانشاه، نشریه‌ای انگلیسی است که در نوشته‌ای به تاریخ فروردین ۱۲۱۹ در مورد بازارهای شرقی، به بازار سرپوشیده و دارای سه محور و یک میدان عمده کرمانشاه، به مثابه نمونه کامل از بازار شهر اسلامی و شرقی اشاره کرده است (Saturday magazine, ۱۸۴۰: ۱۴۵). میدان اشاره شده در این مقاله، در متون بعدی بویژه در سفرنامه‌ها، به عنوان سبزه میدان و یا میدان توپخانه یاد شده که میدان اصلی شهر بود و مسجد جامع، گمرک و نقاره‌خانه گرداگرد آن و سربازخانه پشت آن استقرار داشتند (گروته، ۱۳۶۵: ۷۶). ظاهراً بیش‌ترین رونق ساخت و ساز و گسترش بازار در شکل کنونی به دوره حکومت عمادالدوله والی غرب باز می‌گردد که از سال ۱۲۶۸ شمسی به مدت ۲۵ سال حاکم بود و به کرمانشاه و بازار آن رونق زیادی بخشید. با این حال، در سال ۱۸۹۰م. (۱۲۶۸ش). یکی از جهان‌گردان غربی به خطی از گنبدهای بازار اشاره کرده است. وی از کالاهای متنوع از جمله کالاهای اروپایی در بازار کرمانشاه یاد می‌کند. جکسون نیز در ۱۹۰۳م. رونق قابل توجه تجارت در بازار کرمانشاه را یادآوری می‌کند (Clark, 1969: 19).

بازار کرمانشاه در اوج شکوه خود، در اواخر دوره قاجار، شامل چند



نقشه شماره ۱: بخش اصلی بازار کرمانشاه و موقعیت عناصر اصلی
 مأخذ: رجیبی، ۱۳۸۶

موازی قرار داشتند. به سمت شرق، راسته آهنگرها و بنکداران، بازار کتفروش‌ها، نان برنجی‌پزها و حلبی‌فروش‌ها و فضاهایی مانند بزازخانه کهنه، بزازخانه نو، راسته فراش‌باشی و قیصریه عناصر عمده بودند (ایراندوست، ۱۳۷۳: ۹۸).

۳-۳. تحول واحدهای تجاری بازار

در چند دهه گذشته، همگام با تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر، بازار کرمانشاه نیز دچار دگرگونی قابل توجهی شده است. مقایسه آمار واحدهای فعال اقتصادی پنج دهه گذشته بازار، نکات در خور توجهی را نشان می‌دهد. با وجود رکود نسبی بازار و کاهش ارزش نسبی آن در سرمایه‌گذاری اقتصادی، تعداد واحدهای اقتصادی افزایش یافته است. این موضوع در محل تقاطع بازار با خیابان‌های اصلی (جدید) بسیار چشمگیر است؛ آن جا که واحدهای تجاری قدیمی با مساحت بالا به واحدهای تجاری ریزدانه‌تر تبدیل شده‌اند. برای نمونه، در ورودی تاریک بازار در خیابان مدرس، رشد زرگری‌ها و طلافروشی‌ها از این جمله است و نیز در بخش بازار توپخانه تبدیل سراها و واحدهای بزرگ به غرفه‌ها و مغازه‌های عرضه میوه را می‌توان نام برد. البته همزمان با افزایش تعداد کل واحدهای تجاری، تعداد واحدهای تجاری خالی نیز در مقایسه با گذشته افزایش یافته است که عموماً این واحدها در درون بدنه اصلی بازار و در سرا و کاروان‌سراهای قدیمی قرار دارند. با مقایسه آماری چند دهه گذشته می‌توان تحول فعالیت واحدهای تجاری را به چهار دسته اصلی تقسیم کرد:

الف) نخست گروهی از فعالیت‌ها که با کاهش زیاد واحدهای فعال مواجه شده‌اند. این گروه عمدتاً شامل فعالیت‌های سنتی

راسته و میدان و سایر عناصر اصلی بود که با هم ساختاری منسجم و پویا را پدید آورده بودند. میدان اصلی شهر به عنوان مرکزیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بازار، به سبزه میدان و میدان توپخانه مشهور بود و در اطراف آن قصر حکومتی، ساختمان‌های اداری مانند تلگراف‌خانه و گمرک، عناصر تجاری مانند مغازه‌ها و سایر عناصر مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مانند مسجد جامع شهر، نقاره‌خانه، قهوه‌خانه‌ها و غیره قرار داشتند. بازار به صورت پیوسته و خطی، از سر قبر آقا (غرب شهر) تا چوب‌فروشان (شرق شهر) ادامه داشت. انتهای غربی از بازار توپخانه آغاز می‌شد، که راسته‌ای رو باز و محل توقف و اسکان زوار و مسافران راهی شهرهای مقدس بود. این بخش با عناصری خدماتی و تجاری مانند کاروان‌سراها، مساجد، حجره‌ها، مغازه‌ها و حمام‌ها عمدتاً بر تأمین نیازهای مسافران و زوار متمرکز بود. ابتدای راسته اصلی بازار به بازار سراج‌ها و ترک‌ها مشهور بود که متشکل از دکان‌ها و حجره‌هایی بود و به محوطه‌ای رو باز چهارگوش به نام علاف‌خانه می‌رسید که محل عرضه محصول‌ها و تولیدهای کشاورزی منطقه بود. راسته اصلی بازار تا رسیدن به چهارسوق از عناصری مانند تیمچه سید اسماعیل، سرای وکیل، سرای نو، سرای اصفهانی‌ها، سرای عسگری، مسجد آل آقا، مسجد شافعی و مغازه‌ها، حجره‌ها و دالان‌هایی تشکیل شده بود که از لحاظ عناصر و فضاهای کارکردی و کالبدی، کامل‌ترین قسمت بازار بود (افشار سیستانی، ۱۳۷۱؛ ایراندوست، ۱۳۷۳). بازار در جهت شرق و شمال شرق تا چهارسوق ادامه داشت که راسته مسگرها، تیمچه، راسته زرگرها، سرای عمادالدوله و مسجد عمادالدوله و راسته صحاف‌ها مشهورترین عناصر اطراف آن بودند. در مرکز آن همراه با عناصر اصلی میدان، سه راسته

جدول شماره ۲: واحدهای تجاری بازار کرمانشاه

ردیف	گروه فعالیت	فعالیت	تعداد	
			۱۳۴۷	۱۳۹۰
۱	مواد غذایی	نان برنجی و شیرینی	۱۹	۱۴
		نانوایی	۱۲	۵
		قصابی	۴	۷
		عطاری	۳۵	۴۳
		علافی	۱۶	۲۲
		بقالی (و خوارو بار فروشی)	۴۶	۱۵
		چایخانه و کبابی (اغذیه)	۱۶	۱۶
		میوه فروشی	-	۷۸
		لباس (و پارچه)	۱۶۹	۲۰۳
۲	پوشاک و پارچه	لحاف دوزی	۳۱	۳۴
		کتان و ابریشم	۸	-
		خیاطی	۹۳	۱۱۸
		کفاشی و کفش و گیوه فروشی	۸۵	۳۰
		چادر دوزی و گونی	-	۱۴
۳	فرش	پتو و روفرشی	-	۱۳
		قالی	۵۰	۱۳
		گلیم	۷	۱۲
		آهنگری	۶۵	۲۲
۴	فلزات	مسگری	۱۷	۲
		طلا و نقره	۴۵	۲۸۰
		صندوق سازی	۲۲	۲
۵	دیگر موارد	سراجی و چرم	۸	۳
		شیشه	۳	۰
		کتابفروشی، صحافی (لوازم تحریر)	۳	۸
		معاملات عمومی	۵۱	۳۳
		متفرقه	۱۱	۲۴
		تجارتخانه و دفتر	۱۵	۱۰
		خالی / بسته / انبار	۸۹	۱۲۴
		آرایشی و بهداشتی	-	۷۶
		عینک و ساعت	-	۸
		سمساری	-	۱۹
		اسباب بازی و پلاستیک	-	۱۹
		لوازم خانگی	-	۷
		جمع		

کشیده شده بود، با خیابان‌کشی‌های جدید و تقسیم شدن آن به چهار قسمت مجزا، دچار انقطاع و گسیختگی شد و انسجام و پیوستگی آن از بین رفت. براساس این انقطاع، پاره اول بازار (توپخانه) از سر قبر آقا شروع و تا خیابان (چهار راه) جوانشیر ادامه یافت. پاره دوم آن در بین خیابان جوانشیر و مدرس است که مرکزیت و عناصر اصلی بازار در این قسمت قرار گرفته‌اند. پاره سوم بین خیابان مدرس و میدان نواب قرار دارد و در نهایت پاره چهارم از میدان نواب به طرف شرق شهر کشیده شده است. در مجموع در این دوره، بازار پیوسته در اثر برنامه‌های عمرانی و خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی اول و دوم به چهار بخش مجزا با عملکرد و ساختار تقریباً مستقل و مجزا بدل شد.

• از میان رفتن یا تغییر شکل عناصر بازار

بر اثر دگرگونی‌های کالبدی و تحوّل کاربری‌ها برخی از عناصر اصلی بازار از بین رفت و به جای آن عناصر و کاربری‌های جدید ظهور پیدا کردند. عمده این تغییرات در دو انتها الیه شرقی و غربی و در مواردی در مرکز بازار شکل گرفت. تغییر کاربری عناصری مانند کاروان‌سرا، حمام و کارگاه‌ها به کاربری‌هایی مانند مدرسه، گاراژ و پارکینگ از این جمله است. هم‌چنین گرایش به ایجاد عناصر ریزدانه مانند مغازه‌ها و غرفه‌های عرضه و فروش کالا در قسمت‌هایی از ساختار بازار به شکسته شدن عناصر درشت دانه مانند کاروان‌سراها همراه بود. با دگرگونی‌های جدید، برخی از عناصر مانند تیمچه‌ها و برخی سراها و کاروان‌سراها نیز، پیوند کالبدی و عملکردی خود را با بازار گسستند و ارتباط خود را با خیابان‌های اصلی شهر تنظیم کرده‌اند. برخی عناصر نیز کاملاً هضم شده و از بین رفته‌اند (مانند تیمچه) و برخی دچار دگرگونی کالبدی و عملکردی شده‌اند.

است و در آن کاهش واحدهای فرش‌فروشی، آهنگری، کفّاشی و گیوه‌بافی، ابریشم، مسگری و صندوق‌سازی‌ها قابل توجّه است. کاهش فعالیت‌هایی مانند بقالی و نانوائی نیز مشاهده می‌شود که به تغییر عملکرد بازار و کاهش پیوند آن با محله‌های مسکونی و نقش کم‌تر آن در تأمین نیازهای روزمره مردم باز می‌گردد.

ب) گروه دوم شامل فعالیت‌هایی است که با توجّه به نیاز روز تعداد آن‌ها افزایش یافته است. از این گروه واحدهای فعال ساخت و فروش طلا و جواهرات و خیاطی‌ها را می‌توان نام برد.

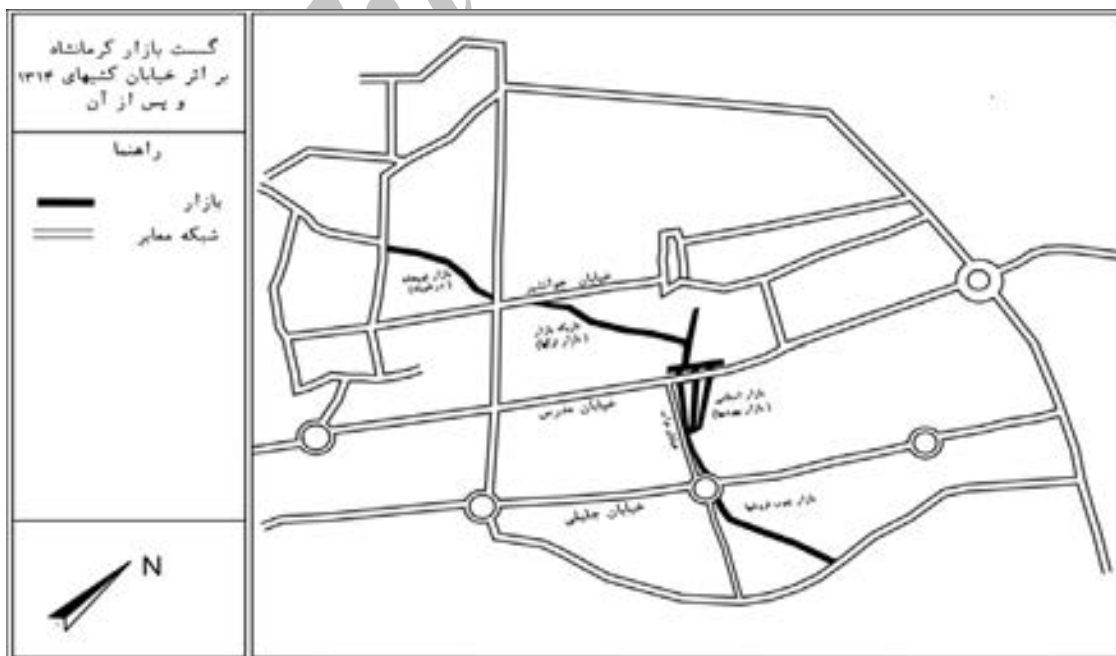
ج) گروه سوم شامل فعالیت‌هایی است که نسبتاً جدید شکل گرفته‌اند و در مواردی از نظر تعداد رشد قابل توجّهی داشته‌اند. از این گروه واحدهای عرضه میوه و تره‌بار، اسباب بازی و پلاستیک، لوازم آرایشی بهداشتی و فروش ساعت و عینک را می‌توان نام برد. د) گروه چهارم فعالیت‌هایی هستند که تعداد آن‌ها در حد نسبی حفظ شده است و با توجّه به تقاضای جامعه و دگرگونی در شکل عرضه آن‌ها، جایگاه نسبی خود را حفظ کرده‌اند؛ نان برنجی‌پزها، فروشگاه‌های لباس و پارچه، و عطاری‌ها از این جمله هستند.

۳-۴. تحولات ساختاری بازار

بازار شهر کرمانشاه همانند اغلب بازارهای ایرانی، پس از پشت سر گذاشتن دورانی پر رونق و رو به گسترش و تکامل، از اوایل دوره پهلوی، تحولات عمیقی را آغاز نمود که در نهایت به شرایط کنونی عموماً همراه با رکود انجامید. عمده‌ترین تحولات بازار کرمانشاه را در چند دهه گذشته می‌توان به صورت خلاصه در سه محور اصلی به بحث گذارد.

• گسیختگی بازار

بازار که از شرق تا غرب در سرتاسر شهر قدیم به صورت خطی



نقشه شماره ۲: گسست کالبدی بازار بر اثر خیابان‌کشی‌های معاصر
 مأخذ: Clark:1969: 73 و برداشت میدانی

جدول شماره ۳: تحولات ساختار و عناصر بازار کرمانشاه - عوامل و مصداق‌ها

تحوّلات	عامل	مصداق
گسست	- ورود خودرو - خیابان‌کشی‌های جدید	- تقسیم بازار به چهار قسمت مجزا
متروک شدن	- تغییر در نقش و عملکرد - عدم دسترسی به سواره	- متروک شدن کاروان‌سراها و سراها
تغییر کاربری	- تغییر در نقش و عملکرد شهر - نوگرایی و ظهور نیازهای جدید	- تبدیل شدن کاروان‌سراها به مدرسه و گاراژ - تبدیل شدن سراها و کاروان‌سراها به انبار
تغییر شکل	- تغییر در نقش و عملکرد شهر - دگرگونی شیوه تولید و مصرف - برنامه‌ریزی جدید	- ریزدانه شدن عناصر درشت‌دانه بازار - مسقف شدن قسمت‌هایی از بازار
تخریب	- عدم همخوانی با شرایط نوین - عدم دسترسی سواره - نوسازی و نوگرایی معاصر	- تخریب عناصر بازار - از بین رفتن میدان و برخی راسته‌های فرعی

مأخذ: رجبی، ۱۳۸۶

• متروک شدن و تخریب عناصر

بررسی بازار شهر کرمانشاه نشان می‌دهد عناصری مانند کاروان‌سرا و سرا که در گذشته در ارتباط با کاروان‌های تجاری و زیارتی فعال بودند و یا عناصری مانند کارگاه، دالان و قیصریه که دارای نقش تجاری و تولیدی منطقه‌ای بوده‌اند، ارزش و اهمیّت خود را از دست داده و امروزه متروک و عمدتاً دارای فعالیت‌های جنبی هستند و یا از آن‌ها فقط به عنوان انبار کالا استفاده می‌شود. این سکون و عدم تحرّک باعث تخریب و فرسودگی این دسته عناصر در سرتاسر بازار کرمانشاه شده است. عمده‌ترین عامل مؤثر در این زمینه، عدم دسترسی سواره و خودرو و ارتباط با خیابان‌های جدید است که ارزش فضا را به مثابه فضای پویای تجاری کاهش داده است.

۳-۵. عوامل مؤثر بر تحول ساختار بازار

توسعه برون‌زا و ادغام اجباری در نظام سرمایه‌داری نوین و ظهور آثار و مظاهر غرب در جامعه ایران موجب دگرگونی در بسیاری از زمینه‌های مادی زندگی شهری و نگرش‌ها شد و بسیاری از نمادهای سنتی و با اهمیّت سکونت‌گاه‌های سنتی از جمله شهرها دچار دگرگونی شدند. تحوّل در نحوه تولید و مصرف، ورود شیوه‌های جدید حمل و نقل، گسترش به‌کارگیری وسیله نقلیه موتوری و در پی آن احداث معابر بزرگ‌تر و عریض‌تر، تنوع خدمات و شیوه‌های جدید خدمات‌رسانی شهری، احداث محله‌های جدید با استفاده از شیوه‌های معماری نو و مصالح جدید و تخریب محله‌های قدیمی و برنامه‌ریزی‌های شهری جدید موجب دگرگونی عمیقی در ساختار و کالبد شهرها در دوران معاصر شد. در چنین شرایطی کرمانشاه به

عنوان یکی از شهرهای مهم در نظام شهری کشور و مرکز تاریخی غرب کشور، با دگرگونی روبه‌رو شد و بسیاری از عناصر تاریخی و سنتی آن از جمله بازار شهر به مثابه عنصر و استخوان‌بندی اصلی شهر متحوّل شد. عوامل این تغییرات و تحولات در ساختار بازار را می‌توان در چند گروه به قرار زیر تقسیم‌بندی کرد.

الف. دگرگونی نقش و عملکرد شهر کرمانشاه

منطقه کرمانشاه از دیرباز از لحاظ ارتباطی دارای اهمیّت فوق‌العاده در سطح ملی بود؛ چنان‌چه بر تقاطع دو راه مهم و پرآوازه تاریخی (راه شاهی و جاده ابریشم) قرار داشته است. پس از اسلام نیز جاده معروف بغداد به خراسان که به راه بزرگ خراسان مشهور بود از این منطقه می‌گذشت. این اهمیّت ارتباطی به حدی بود که کرمانشاه به دروازه آسیا معروف شده بود (طرح و آمایش، ۱۳۸۲). تا دوره قاجاریه نیز، این جایگاه ادامه داشت، به نحوی که تمام ایالات لرستان، بروجرد، نهاوند، کردستان و همدان زیر پوشش کرمانشاه قرار داشتند و بازار آن، به عنوان مرکز تولید و توزیع کالا و محصولات کشاورزی محسوب می‌شد (ایراندوست، ۱۳۷۳). اما از دوره پهلوی با رواج الگوها و تکنیک و فنون جدید حمل و نقل و جابه‌جایی کالا و مسافر و همچنین تغییر در شیوه‌های تولید، شهر کرمانشاه موقعیّت و نقش تجاری ملی و منطقه‌ای خود را تا حد زیادی از دست داد. بازار کرمانشاه نیز متأثر از این تغییر نقش و عملکرد، تغییراتی را در ساختار و کالبد خود تجربه کرد و جایگاه و اهمیّت بسیاری از عناصر آن رو به زوال گذاشت.

ب. ورود خودرو و خیابان‌کشی‌های جدید

با ورود خودرو به منظور دسترسی سواره به درون محله‌های قدیمی شهر، نقشه خیابان مدرّس (سپه) در سال ۱۳۱۲ تهیّه و

شیوه‌های حمل‌ونقل، ورود خودرو به شهر و خیابان‌کشی‌های نوین و در پی آن، تغییر در شیوه تولید، استفاده از روش‌های نو در برنامه‌ریزی و طراحی شهری و شیوه‌های جدید خدمات‌رسانی شهری هر یک به نحوی بر ساختار و عملکرد بازار تأثیری اساسی داشتند. بر اثر این عوامل، تغییراتی مانند گسختگی و پاره پاره شدن، از بین رفتن برخی از عناصر اصلی بازار، متروک شدن و در نتیجه تخریب در ساختار و کالبد بازار ایجاد گشت. از سوی دیگر، در چند و چون فعالیت‌های اقتصادی سطح بازار دگرگونی‌های قابل توجهی روی داده است.

تحول بازار کرمانشاه مانند بیش‌تر شهرهای کشور، تا حد بسیار زیادی گریزناپذیر و مانند پدیده شهرنشینی، ناشی از دوران گذاری است که بر تاریخ معاصر تحمیل شده است. چنین تحولی که مرتبط با توسعه برون‌زای اقتصادی و تحولات کالبدی ناشی از انطباق شرایط با شرایط جدید است، بیش‌تر بازتابنده ضرورت‌های سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای است. در چنین وضعیتی بازار کرمانشاه دچار دگرگونی‌های عمیق کارکردی، اقتصادی و کالبدی شده و روند روبه‌انزوایی را در شهر تجربه کرده است. بازار به مثابه بخشی اصلی از حیات و هویت شهری باید مورد توجه بیش‌تر قرار گیرد و برای تقویت نقش آن باید با ضرورت‌های نوین سازگار شود. در این زمینه بازار از نظر کالبدی باید شرایط خود را برای دسترسی آسان‌تر، جریان سهل‌تر کالا و خدمات، مهیا کند. از این رو، پویایی اقتصادی و کالبدی بازار، نیازمند تحولات و دگرگونی آن است. در غیر این صورت، بازار تنها می‌تواند در بخش محدودی، به مثابه بخشی از تاریخ و اقتصاد گذشته شهر، و به عنوان جاذبه گردشگری نقشی به دور از نقش تاریخی خود را داشته باشد، که این نیز در بسیاری از شهرهای ایران، از جمله کرمانشاه، با چالش جدی مواجه است.

پی‌نوشت

1. E. Wirth

فهرست منابع و مراجع

- ۱- ابن حوقل، محمدبن حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، وینا، تهران.
- ۲- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، *در نامه علوم اجتماعی*، دوره اول، شماره ۴، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، تهران.
- ۳- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۱)، *کرمانشاه و تمدن دیرینه آن*، انتشارات زرین، تهران.
- ۴- اهلهز، اکارت (۱۳۷۳)، «شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت»، ترجمه و تحریر محمد حسن ضیا توانا و مصطفی مومنی، *در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۲.
- ۵- ایراندوست، کیومرث (۱۳۷۳)، «بازار کرمانشاه در گذشته و حال»، *مجله نایب*، شماره ۲۴ و ۲۵.
- ۶- بنیاد دائره المعارف اسلامی (۱۳۷۲)، *دانشنامه جهان اسلام*،

عملیات اجرایی آن آغاز شد. با احداث خیابان مدرس، بازار شهر به دو پاره شرقی و غربی تقسیم شد. گذرهای درون بافت قطع و با عبور خیابان از میدان اصلی شهر، بسیاری از عناصر اصلی شهر از میان رفت. پس از آن بود که خیابان مدرس به محور تجاری اصلی شهر تبدیل و نقطه ثقل اقتصادی شهر از بازار به این خیابان منتقل شد. پس از خیابان مدرس، خیابان جلیلی در شرق و خیابان جوانشیر در غرب این خیابان و به موازات آن، همزمان با تخریب بخشی از بازار، موجب شدند تا بازار به ۴ بخش مجزا تقسیم شود. این خیابان‌کشی‌ها سبب شد تا انسجام بازار از بین برود، و اجزا و عناصر نتوانند نقش سابق خود را ایفا کنند.

ج. نوسازی و برنامه‌ریزی شهری جدید

یکی از عوامل اثرگذار در تحولات کالبدی شهرهای ایران، پایان یافتن گسترش ارگانیک، و شروع رشد و توسعه برنامه‌ریزی شده شهر در دوران معاصر است. طرح‌های جامع و تفصیلی شهری از دهه ۴۰ به بعد یکی از عوامل اصلی شکل‌دهی به کالبد شهرهای کشور بوده‌اند. برنامه‌ریزی‌های جدید باعث شد تا در شهرهایی چون کرمانشاه کاربری‌ها و عناصر شهری از مرکز و بازار آن، به تمام نقاط شهر منتقل شود و مراکز جدیدی در رقابت با بازار شکل گیرد و به مرور، نقش و جایگاه بازار کم‌رنگ شود، و بازار نیز در شرایط نابرابر، با رکودی نسبی در پویایی خود روبه‌رو گردد.

با رواج الگوهای جدید ساخت‌وساز و خدمات‌رسانی، بسیاری از بافت‌های داخلی شهر به تدریج جایگاه و کارکرد اصلی خود را از دست داده و با ضعف عملکردی مواجه شده‌اند. در جریان نوسازی و بهسازی برنامه‌ریزی شده شهری، که در جهت پذیرش شرایط جدید و نوسازی اقتصادی بود، تعدادی از عناصر اصلی بازار از میان رفته یا دگرگون شده‌اند. انگیزه‌های اجتماعی و روان‌شناختی زندگی و فعالیت و تخصص‌گرایی فعالیت اقتصادی در مناطق جدید شهر به این مسأله ابعاد تازه‌ای داده است.

د. دگرگونی در شیوه‌های تولید و مصرف

در کرمانشاه مانند بسیاری از شهرهای ایران، شیوه تولید پدی و سنتی که عمدتاً بر گرداگرد بازار متمرکز شده بود دچار تحول شد و به تولید انبوه ماشینی تبدیل گردید و اندک اندک بازار به استثنای تولید برخی اقلام خاص، خالی از هرگونه فعالیت تولیدی شد. هم‌چنین تولید و مصرف و شیوه جدید سرمایه‌داری، یعنی تولید و مصرف انبوه، با شرایط کالبدی بازار سازگار نبود و بیش‌تر متمایل به الگوهای معماری و شهرسازی جدید بود.

نتیجه‌گیری

شهر کرمانشاه از جمله شهرهای کهن ایران در حوزه زاگرس است که با توجه به نقش ارتباطی و راهبردی و منحصر به فرد خود، همواره به عنوان یکی از شهرهای عمده کشور از لحاظ ارتباطی، تجاری و حتی نظامی دارای اهمیت خاصی بوده است. این شهر مانند دیگر شهرهای بزرگ ایران در دوره معاصر در تحول و انطباق با شرایط، تغییراتی اساسی را در کارکرد و کالبد خود تجربه کرده است. تغییر در نقش و عملکرد شهر کرمانشاه، دگرگون شدن

۱۶- کاستللو، وینسنت فرانسویس (۱۳۶۸)، **شهرنشینی در خاورمیانه**، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، نشر نی، تهران.
 ۱۷- گروتسه، هوگو (۱۳۶۵)، **سفرنامه گروتسه**، ترجمه مجید جلیلود، نشر مرکز، تهران.
 18- Clark, J. I. B. D, Clark (1969), **Kermanshah an Iranian Provincial city**, University of Durham DEDT, Of Geography Research paper series 10, Durham.
 19- Bonine, Michael (1990), **The Sacred Direction and City Structure: A Preliminary Analysis of the Islamic cities of Morocco**, In Muqarnas VII: An Annual on Islamic Art and Architecture, Oleg Grabar (ed.), E.J. Brill, Leiden.
 20- Werner, Christoph (2000), **An Iranian Town in Transition: A Social and Economic History of the Elites of Tabriz**, 1747-1848, Wiesbaden, Harrassowitz.
 21- Saturday magazine (1840), **On Oriental Bazaar**, Society for Promoting Christian Knowledge (Great Britain), No 500, London.

حرف «ب» جزء سوم، تهران.
 ۷- پوراحمد، احمد (۱۳۷۶)، **جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان**، انتشارات مرکز کرمان شناسی.
 ۸- پوراحمد، احمد، و سیروس موسوی (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، در **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره دوم.
 ۹- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۲)، **معماری اسلامی ایران**، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
 ۱۰- خان محمدی، اکبر (۱۳۸۶)، **بازار در ادب فارسی**، نشریه هفت شهر، شماره ۲۰.
 ۱۱- رجبی، آزیتا (۱۳۸۵)، **ریخت شناسی بازار**، نشر آگاه، تهران.
 ۱۲- سرائی، محمد حسین (۱۳۸۹)، «تحوّلات بازارهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی بازار یزد)»، در **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره دوم.
 ۱۳- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۷)، **مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران**، امیرکبیر، چاپ دوم، تهران.
 ۱۴- سلطان زاده، حسین (۱۳۸۰)، **بازارهای ایرانی**، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 ۱۵- طرح و آمایش، مهندسان مشاور (۱۳۸۲)، **طرح جامع شهر کرمانشاه**.



تصویر شماره ۱: سرای وکیل - بازسازی و مرمت هنوز نتوانسته پویایی را جاری کند.



تصویر شماره ۲: مسجد عماد الدوله از عناصر اصلی متصل به چهارسوق



تصویر شماره ۳: مخروبه شدن کاروانسراهای بازار توپخانه

